

چند دروغ و یک نکته

احمد آزاد

اپوزیسیون خارج از کشور گاه مورد توجه روزنامه نگاران داخلی قرار گرفته و اظهار نظراتی در این باب در روزنامه ها درج می شود. متأسفانه غالب این نوشته ها مغرضانه و عمدتاً با هدف ارائه تصویری نادرست و غیرواقعی در نشریات درج شده اند. تحلیل های یک جانبه و نادرست از اپوزیسیون خارج و ارائه تصویری وارونه شیوه مرسوم روزنامه های داخل کشور است. بر روزنامه های جناح خامنه ای هرجی نیست، ولی تأسف آنجا است که مدعیان اصلاح طلبی و آزادی و دموکراسی نیز دست کمی از جناح دیگر نداشته و گاهی با نگاهی خصمانه و رقابت آمیز به تخطئه اپوزیسیون خارج از کشور می پردازند.

یادداشت صفحه ۲ روزنامه آفتاب یزد، شماره ۷۳۵ چهارشنبه سی مرداد ماه، با عنوان «ماهواره های فقیر، مخاطبان مظلوم. اما تشنه»، نمونه ای از این دست است. نویسنده در ابتدا به تعدد آنتن های ماهواره ای در پشت بام ها اشاره می کند و از این نقطه حرکت کرده و می خواهد نگاهی به محتوی این پدیده و چرایی آن داشته باشد. از همین ابتدا کار با دروغ و تحریف آغاز می شود. وی عنوان می کند که «بنده نمی دانم که کل اپوزیسیون خارج نشین دارای چه مشخصاتی است و ظرفیت های علمی و عملی آنان چقدر است. اما اگر شبکه های فارسی زبان ماهواره ای را معدلی از این اپوزیسیون باشند باید اعلام نمایم که جمهوری اسلامی دارای آلترناتیو قابل ملاحظه ای نیست.»

اگر نویسنده درباره اپوزیسیون خارج از کشور و ظرفیت های علمی و عملی آنها اطلاعات درستی ندارد، چگونه است که چند برنامه تلویزیونی را معدل این نیرو معرفی و اساس یادداشت خود را بر آن قرار میدهد؟ ظاهراً نویسنده از مجموعه اپوزیسیون خارج از کشور، بخش کوچکی از آن را به میل خود انتخاب کرده و بر پایه آن به چنین نتیجه ای رسیده که جمهوری اسلامی در مقابل خود آلترناتیو قابل ملاحظه ای ندارد.

جهت اطلاع نویسنده مقاله و روزنامه نگاران دوم خردادی باید گفت که اپوزیسیون خارج از کشور از طیف های وسیعی از مخالفین رژیم مذهبی ایران تشکیل می شود. در این طیف وسیع طرفداران سلطنت، نیروهای مذهبی خواهان دموکراسی وسیع در جامعه، نیروهای لائیک خواهان جدایی دین از حکومت و شکلگیری یک حکومت دمکراتیک و طرفداران حکومت سوسیالیستی قرار دارند. شرایط تاریخی و تنوع نظرات تاکنون از شکلگیری همگرایی هایی در این طیف وسیع جلوگیری کرده است. ولی این بسیار نادرست است که یک بخش از این مجموعه وسیع را حساب آورد. در بین نیروهای اپوزیسیون، طرفداران بازگشت سلطنت به ایران، به دلیل امکانات مالی وسیع و حمایت دولت امریکا، از امکانات تبلیغی بیشتری نسبت به دیگر جریانات برخوردارند. آنها موفق شده اند تا چند شبکه تلویزیونی ماهواره ای ایجاد کرده و با پخش مداوم برنامه های مختلف بیندگانی در ایران پیدا کنند. طبعاً در این برنامه ها به تبلیغ ایده بازگشت سلطنت و جایگزینی حکومت مذهبی فعلی با آن می پردازند. در این راه شیوه کشورداری قرون وسطایی حکومت فعلی به میزان کافی زمینه برای رشد بیندگان این تلویزیون ها فراهم کرده است.

حکومت سلطنتی و حکومت مذهبی در برخورد به حقوق مردم و شیوه حکومت، هردو دو روی یک سکه اند و هردو با رشد آگاهی مردم و شکلگیری یک جامعه دمکراتیک متکی بر اراده مردم مخالفند. جای تعجبی نیست که برنامه های تلویزیونی سلطنت طلبان نیز به همان اندازه برنامه های تلویزیونی حکومت مذهبی بی محتوی باشد. اما

تنها فرق مسئله در نوع برنامه ها است که یکی مداوماً قرآن خوانی و سخنرانی های مذهبی پخش میکند و آن دیگری برنامه موسیقی و شوهای تلویزیونی لوس آنجلسی. فقدان برنامه های سرگرم کننده در تلویزیون ایران، طبعاً مردم را به تماشای برنامه های تفریحی تلویزیون های ماهواره ای ترغیب می کند. از این زاویه انتقادی به برنامه های موسیقی و تفریحی این تلویزیون ها نیست، چرا که به نیاز مردم پاسخ می دهند. مسأله مردم حکومتی است که خود را برآمده از انقلاب ضد سلطنتی می داند و چنان عرصه زندگی را بر مردم تنگ کرده که روی استبداد سلطنتی را سفید کرده است و چنان برهوت فرهنگی در جامعه ایجاد کرده است که تماشای برنامه های طرفداران بازگشت به سلطنت را در مقایسه با سیمای دهشت انگیز حکومت اسلامی، به موهبتی تبدیل کرده است.

در دنباله نویسنده دروغ دیگری را سرهم بندی میکند و آن این است که در زمان حکومت شاه تنها نیروی اپوزیسیون اولاً فقط مذهبی ها بوده اند و ثانیاً با حضور علمای دانشمندی در این اپوزیسیون، سطح علمی و عملی این اپوزیسیون از اکنون بسیار بالاتر بوده است. در ضمن برای آنکه دروغ بسیار بزرگ جلوه نکند، به اپوزیسیون غیر مذهبی هم اشاره کرده و می گوید: «حتی اپوزیسیون غیرمذهبی آن زمان هم قابل قیاس با چپ گرایان برانداز امروز نیستند. مقام علمی امثال دکتر احسان طبری بر کسی پوشیده نیست در حالی که حتی جوان ترهای کمونیست آن زمان هم به نسبت بضاعت خود حرفی برای گفتن داشتند.»

شاید نویسنده این مقاله جوان تر از آن است که زمان حکومت سابق را به یاد آورد، ولی نگاهی به نوشته های موجود و خاطرات زندان آن دوره نشان می دهد که اپوزیسیون مذهبی، چون امروز، بخشی از اپوزیسیون رژیم سابق را تشکیل می داد و علمای طراز اول فقط برای بخش مذهبی اپوزیسیون تدارک تئوری میکردند. اپوزیسیون لائیک و غیرمذهبی رژیم سابق به مراتب بیشتر و فعالتر بود. دلایل تفوق جناح مذهبی اپوزیسیون شاه پس از انقلاب را در جای دیگری باید توضیح ادامه در صفحه ۱۰